

گفت‌وگویی صبا با عوامل فیلم سینمایی آپاراتچی

عاشقانه‌ای آرام در باره سینما

ما تلاش کردیم تا حدی نقش زن را پررنگ‌تر کنیم.

نکته برجسته «آپاراتچی» اقتباس ادبی است؟

یکی از مهم‌ترین دلایل برای اقتباس ادبی بعد از ساخت چند فیلم تلویزیونی توجه به کیفیت و رویکرد جدید در عرصه کاری ام بود و می‌خواستیم اولین فیلم بلند اثری ماندگار و متفاوت در سینمای ایران باشد و کتاب مشتمل بر خاطرات پراکنده از زندگی جلیل طائفی از دوران کودکی و علاقه ایشان به سینما شروع و به بزرگسالی‌شان ختم می‌شود. جلیل طائفی از کودکی به عکاسی پرداخت و بعداً دوربین سوپر ۸ می‌خرد و با تاسیس گروهی به فیلمسازی می‌پردازد و آنها را به نمایش در می‌آورد. نکته مهم بحث سواد این آدم است که تا دوم ابتدایی درس خوانده و فیلم نامه‌های کارهایش را دوستانش می‌فرستند. دورانی که او تلاش می‌کند با ساخت فیلم‌های کوتاه و آماتوری بتواند فیلم بلند سینمایی بسازد و حسین تراب‌نژاد بر اساس دیدگاه و تفکراتش فیلمنامه را نوشت و کتاب را برای ساخت دراماتیزه کرد. این آدم همه این مسیر را به این خاطر طی می‌کند که بتواند روزی فیلم سینمایی بسازد و اگرانش کند اما در این راه ناکام می‌ماند و نمی‌تواند به آرزویش برسد.

فضا و تنوع لوکیشن در فیلم نقش مهمی در جهت ارتباط گیری مخاطب با فیلم دارد؟

یکی از فیلم‌های جذاب و شیرین اکران نوروزی امسال که برای اولین بار در جشنواره ۴۲ فیلم فجر از آن رونمایی شد فیلم «آپاراتچی» به کارگردانی قربانعلی طاهر فر است. این فیلم عاشقانه‌ای آرام درباره سینما است و دل‌بستگی‌های یک نقاش ساختمان عاشق سینما را روایت می‌کند که با اشتیاق تمام موفق به تولید چند فیلم کوتاه شده و در آرزوی ساختن نخستین فیلم سینمایی خودش است. خبرنگار صبا به بهانه اکران عمومی این فیلم که طبق آخرین بروز رسانی فروش گیشه آن تا تنظیم این مطلب با مبلغ حدود ۳/۸۰۹/۱۶۶/۵۰۰ تومان در رتبه چهارم جدول اکران نوروزی قرار دارد با عوامل این فیلم به گفت‌وگو پرداخته است که در ادامه می‌خوانید.

احمد محمد اسماعیلی
گفت‌وگو

قربانعلی طاهر فر کارگردان

می‌خواستیم اولین فیلم بلند اثری ماندگار باشد

قربانعلی طاهر فر فیلمساز آذری زبانی است که تجربه نخست فیلمسازی‌اش را در مقام کارگردان روانه اکران سینماها کرده است. او با درک درست مختصات شخصیتی که عاشق فیلم است، روایتی گرم، شیرین و دراماتیک ارائه می‌کند.

برای اکران عمومی «آپاراتچی» چه تغییراتی در نسخه اکران شده فیلم در جشنواره فجر انجام دادید؟

تغییراتی که انجام دادیم بر آینه نظر مخاطبانی بود که «آپاراتچی» را در جشنواره فیلم فجر دیدند. خدا را شکر مخاطب بعد از دیدن فیلم حالش خوب است. تلاش کردیم جنس شوخی و کمدی‌هایی که در فیلم استفاده شده نجیب و شریف باشد و از لودگی‌های رایج فیلم‌های کمدی دوری کردیم.

یکی از سکانس‌هایی که می‌شود از فیلم حذف شود و به ریتم هم آسیبی نرساند شوخی چند باره شما با بردن سیم‌رغ جلیل در مراسم اختتامیه جشنواره در تالار وحدت است که می‌تواند کم بشود؟

سکانس‌های رویای جلیل و سیم‌رغ بردنش را در تدوین مجدد تغییر دادیم. در فیلم سه بار جلیل چنین رویایی می‌بیند و ریتمش را کمی تندتر کردیم.

آیا در این صحنه هجو یا هزلی را انجام دادید؟

نه، هجو و هزل را قبول ندارم. همانطور که گفتیم فقط شوخی کردیم و با همه قشری در فیلم شوخی انجام داده‌ایم. لحظات طنزی هم در فیلم وجود دارد که میکس از کمدی کلامی و موقعیت است.

چند سکانس مواجهه جلیل با امام جمعه تبریز چه بازتابی میان روحانیون داشت؟

با جامعه روحانیت در ارتباط بودیم و تلاش کردیم یک روحانی تراز را در «آپاراتچی» نشان بدهیم. البته نه از نگاه خودمان، بلکه از نگاه مردم عامه.

یعنی یک امام جمعه مردمی را به تصویر در آوردید؟

بله و چند روحانی که فیلم را دیدند با این شیوه روایت شخصیت روحانی موافق بودند. خودم یا منبری هستم و یا مسجد و نماز جمعه رفتن بزرگ شدم و عضو پایگاه مسجد محله‌مان هم بودم. بنابراین همه این فضاهای ارتباطی بین مردم با امام جمعه‌ها را درک کرده بودم. در دهه شصت نوجوانی ام در پایگاه‌های بسیج، نماز جمعه و دعای کمیل سپری شد. بنابراین این یادگار در دست و صحیح به سراغ شوخی با روحانیت رفتیم.

این نوع شوخی‌ها در حکم راه رفتن روی لبه تیغ است؟

بله، خیلی از شوخی‌ها مثل سکانس‌های اعزام نیرو، تشیع شهدا و خانواده شهدا و بخش مسجد و حضور امام جمعه را در تمرینات و پاییز خورده‌های تیم سازنده تغییرش می‌دادم. در دهه شصت در تقابل با هنر مردمی دو جریان فکری وجود داشت. یکی شبه روشنفکری متجدد مابانه و دیگری تحجر. پدر جلیل، نماد و نشانه تحجر و تفکری است که از سینما فقط فیلم فارسی را می‌شناسند. پدر و مادر خود من هم تلویزیون و دیدنش را قبل از انقلاب حرام می‌دانستند.

بنابراین از رابطه خود و پدرتان در جهت ملموس‌تر شدن

شخصیت بشیر با بازی رضا ناجی استفاده کردید؟

از پیرامون و زندگی شخصی ام در دهه شصت استفاده زیادی در فضای فیلم کردم. در فامیل ما خیلی‌ها حتی تا پایان عمرشان تلویزیون ندیدند و سینما هم نرفتند.

علیرضا استادی هم با جنس بازی بشیر یتیم به ملموس‌تر شدن کاراکتر امام جمعه کمک کرد؟

خود استادی هم با روحانیون در تماس بوده و خیلی سریع خودش را در قالب روحانی پیدا کرد.

فضای فیلم خیلی مرده است. آیا نمی‌شد با بیشتر کردن حضور زن جلیل این فضا را تطبیف کنید؟

فضای هنر و سینما در دهه شصت کلام مرده بود و باز یگران زن نقش‌های محدودی در فیلمها داشتند و ما هم بر اساس این الگو کارمان را انجام دادیم. البته خودم هم دوست نداشتم فضای فیلم اینقدر مرده باشد و حتی رمان هم فضایش از این مرده‌تر بود و

